

یادداشتی بر افسانه کاکادو

وما خودمان هم از جنس رویاهایمان هستیم»

«ویلیام شکسپیر»

امید علوی

کاکادو

کارگردان: تهینه میلانی، تهیه کننده: آرتا فیلم، نویسنده فیلمنامه: تهینه میلانی، فیلمبردار: حسن قلی زاده، صدا بردار: بهروز معاونیان، طراح لباس و صحنه: تهینه میلانی، چهره پرداز: فتنه بهرامپور - محمود مهدوی، آهنگساز: ناصر چشم آذر، تدوین کننده: شیرین وحیدی، جلوه‌های ویژه: ولی الله خاکدان، بازیگران: السا فیروز آذر - اسداله یکتا (تابانا) - آتیه فقیه نصیری - فریبرز عرب‌نیا - رحمان مرادی - حسین محب‌اهری

این واقعیت قضیه است که سیر به دنیاهای ناشناخته و مجهولات بویژه در سنین کودکی جزء لاینفک از زندگیمان است. این پدیده سفر مختص انسان اینجایی و آنجایی نیست، بلکه جهانشمول است و از ابتدای خلقت آدمی وجود داشته بنابراین سیر و سفر به چنین دنیایی عمری به درازای تجربه‌های زندگی انسان در طول قرون متدای دارد. و هر چه پیشتر می‌آئیم سفر به رویاها و دنیای خیال که بگونه‌ای نیز ریشه در افسانه‌های شفاهی و غیر شفاهی دارد، بیشتر می‌شود. آدمی اصلاً از جنس رویاست و اگر اغراق نباشد خود رویاست. انسان گاه به واقعیت روی می‌آورد. خود را محک می‌زند و تجربه می‌کند. اعتبار این محک و تجربه باز به رویا بازمی‌گردد. دنیای کودکی نیز اگرچه عمری کوتاه دارد اما همیشه با آدمی و دغدغه آدمی است و اصولاً جایگاه طبیعی آدمی را دوران کودکی تعیین می‌کند نه غرور و نه نظام ارزش‌ها^۱ با این کلیت می‌توان به

تمامی پدیده‌های فرهنگی - هنری اعم از نقاشی، تئاتر، نگارگری، شعر، داستان - موسیقی، سینما و ... بازگشت و ریشه و علل نیاز آدمی را به این پدیده‌ها یک به یک بررسی کرد. و همانطور که ذکر شد سینما نیز مستثنی از این قاعده کلی نیست و شاید تفاوتش را جدای از جذابیت در گردآوری تمامی هنرها در خود دید. اما بحث سینما بحث مفصلی می‌طلبد که در این نگاه نمی‌گنجد بنابراین بخشی و یا گونه‌ای از آنرا که به مناسبت نمایش افسانه کاکادو در حال حاضر نقش بند پرده سینماها شده است می‌توان بررسی کرد. اگر چه سینمای کودک و نوجوان در کشور ما هنوز نوپاست اما از دهه چهل که بتدریج کودکان و یا نوجوانان حضور خود را در سینما اعلام کردند. بروی این گونه فیلم‌ها مورد توجه منتقدین قرار گرفت و در مراحل بعدی این دو قشر جای پای خود را در سینمای ایران محکم کردند و موجب شد تا زمینه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی و نیز ساختار اجرایی و بافت دراماتیک قصه فیلم‌هایی که برای کودکان و نوجوانان و یا بخاطر آنان و نیز حضور آنان ساخته می‌شود مورد بررسی و دقت بیشتری قرار بگیرد.

از طرفی موج روی آوری به سینمای فانتزی - تخیلی - علمی نیز هر روز بیش از پیش نمود بیشتری پیدا می‌کند اگر چه هنوز با مشکلات عدیده‌ای چون کمبودها و یا عدم شناخت کافی روبروست اما نمی‌توان علاقمندی روی آوران به این نوع از سینما را نادیده گرفت.

افسانه کاکادو ساخته تهینه میلانی نیز فیلمی است فانتزی با درونمایه علمی - تخیلی که به موضوع محیط زیست از چند زاویه از جمله آلودگی فیزیکی، روانی و فرهنگی که وجه بارز آن زبان می‌باشد، پرداخته است. میلانی معتقد است مجموعه این آلودگیها آرامش زمین را بر هم زده است و کاکادو مدینه فاضله‌ای است که با مدد تکنولوژی شیوه زندگی کاملاً نوینی را ارائه می‌دهد. لایه دیگر فیلم مشکلات فرزندان تک و نیز فرزندان متعدد در یک خانواده می‌باشد که این امر نیز به عقیده وی به آلودگی محیط زیست می‌انجامد.

با این توضیحات باید دید میلانی زندگی را از چه زاویه‌ای می‌بیند و چه تعریفی از محیط زیست دارد. چرا که تمام موضوع‌های مطروح در فیلم کاکادو لایه بیرونی دارند و محور فرهنگ زندگی می‌چرخند در صورتیکه بحث محیط زیست و طرفداران آن بحث دیگری است و البته اگر منظور ایشان بوم‌نگری یا زیست محیطی باشد باید گفت باورهای اساسی بوم‌نگری در مورد شناخت و تأثیر پذیری آن از محیط چیز دیگری است و عبارتند از: «الف: وابستگی ساختارهای ذهنی به محیط زیست، یا به بیانی دیگر تأکید نهادن بر تأثیری که محیط زیست روی ساختارهای ذهنی می‌گذارد.

ب: تعدد ساختارهای ذهنی بر حسب ویژگیهای محیط.
ج: دخالت فعال افراد در شدن خود، یا به بیانی دیگر، تأکید بر این امر که افراد در تحول و رشد خود دخالت دارند و این دخالت از طریق هم مداخله روی بوم و زمینه هم از طریق اثرپذیری از بوم است.»^۲
بنابراین عواملی چون سر و صدا، تردد، شلوغی،

آپارتمان نشینی و بطور کل معضلات شیرینشینی و مسائل اجتماعی و جامعه شناختی دارد در صورتیکه بحث زیست محیطی به عواملی پیوسته رشد و شایستگی افراد در جامعه و در صورتیکه در این زمینه کاکادو هیچگاه در مسیر چند موضوعی فیلم به مفهوم مورد نظر میلانی پی نمی‌برد. گلناز تکک فرزند خانواده است. پدر و مادرش او را درک نمی‌کنند. گلناز عینکی هم هست و این امر برای او معضلی شده است. حسن پسر سرایدار آپارتمان نیز تنهاست هم او و هم گلناز در پی دوستی‌اند. از طرفی دنیای کاکادو دنیایی است تحقق پذیر و نه یک دنیای خیالی. در دنیای کاکادو دیکتاتوری وجود نخواهد داشت و این چنین جامعه‌ای ذاتاً جنگ طلب نیست. شهروندانش دارای هویت‌اند. محیط زیست خود را هم آلوده نمی‌کنند. اصل حاکم بر جامعه کاکادو براساس دوستی، محبت و خلوص کودکان بنا شده است؛ جمعیتی که مرز جغرافیا، نژاد و مذهب را در هم می‌شکند تا بر قلب موجود است جاری شود.

می‌کنند. شاید جزء استثناها باشد و استثنا هیچگاه قاعده نمی‌شود که برایش قانونی مثنی صادر کرد. و این ساده اندیشی است بگوئیم که اگر کسی با گلناز که عینکی است بازی نمی‌کند. بنابراین کودکان عینکی یا اغلب آنها گوشه‌نشین و خلوت‌گزین می‌شوند و کسی با آنها دوست نمی‌شود. استثناء وجود دارد کسی منکر آن نیست اما معمولاً استثناها قاعده نمی‌شوند. در ثانی این به روحیه خود بچه‌ها بستگی دارد چه در اجتماعی بودنشان و یا انتخاب دوست و چه محیطی که در آن زندگی می‌کنند. تکنولوژی و ماشینزم هم نیز اگر نه قانونمندیها ولی شرایط خاص خود را دارد. بلکه ماشین عاطفه، دوستی و محبت را نمی‌شناسد و آدمی را در خود مستحیل می‌کند. آشتی دادن این دو مقوله یعنی ماشین و تکنولوژی با طبیعت و دوستی، هم فکر خوبی است. که آدم هم دارای تکنولوژی باشد و هم دارای عواطف و احساسات و عشق. اما عوامل این آشتی که میلانی مدعی آنست و شرایطی که می‌خواهد بوجود آورد باید



شناخته شود. در صورتیکه تمام موضوعهای مطرح شده در فیلم، به ساده‌ترین شکل خود عنوان می‌شود در نتیجه فیلم با خطی ساده، جایی برای پرواز خیال نمی‌گذارد و در حد فیلمی آموزشی اطلاعاتی و یا تربیتی باقی می‌ماند چنانچه آقای گاز و آقای ایمنی.. با اینحال اگر چه میلانی در موضوع فیلم دچار اشکال است اما در بهره‌گیری از ابزار و حتی کمترین ابزار موفق است. میلانی نشان می‌دهد که می‌توان با کمترین امکانات فیلم هم ساخت و البته اسیدورام این بحث بابی برای شانه خالی کردن آنان که مسعولیت سینمایی کشور را بعهده دارند نشود و آنرا پستی برای دیگر سینماگران نکنند.

۱- سارتر
۲- از مقاله خانم دکتر محسنی دربارهٔ هوش و عقب‌ماندگیهای ذهنی
دانشگاه ملی